

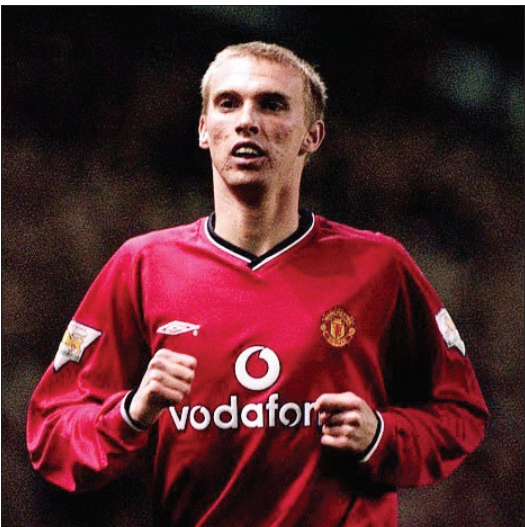
دلم برای فوتبال تنگ شده

ویالی: به پدرم قول دادم زودتر از او نمیرم!

تحقیر قیافه بازیکن منچستر در تلویزیون
چادویک: دعای کردم مسخره‌ام نکنند

مصاحبه

آدام شرگولد



لوک چادویک هافبک سابق منچستریونایتد می‌گوید شوخی‌های تمسخرآمیز وی رحمانه برنامه تلویزیونی «فکر می‌کنند همه چیز تمام شده» در شبکه BBC درباره ظاهر او، اعتماد به نفسش را گرفته بود و باعث کاهش سرعت رشد شخصیتی او شد.

برنامه BBC که طرفداران زیادی هم دارد و با اجرای کم‌دین انگلیسی، نیک هنکاک و میهمانانی مانند گری لینکر برگزار می‌شود، برای چند هفته متوالی روی چادویک زوم کرده بود و او را مورد تمسخر قرار می‌داد. این موضوع روی چادویک که در آن زمان یک نوجوان بود و خیلی تلاش می‌کرد خودش را به ترکیب اصلی تیم تحت هدایت سر الکس فرگوسن تحمیل کند، تأثیر منفی بزرگی داشت چون اعتماد به نفسش را به شدت کاهش داد طوری که حتی ظاهر شدن در انظار عموم برای خرید رفتن هم برایش سخت شده بود. اکنون بعد از ۱۶ سال از زمان جدایی چادویک ۳۹ ساله از شیاطین سرخ او می‌گوید که شاید لازم بود که در همان زمان به BBC به خاطر شوخی‌هایش درباره ظاهر او تذکر بدهد.

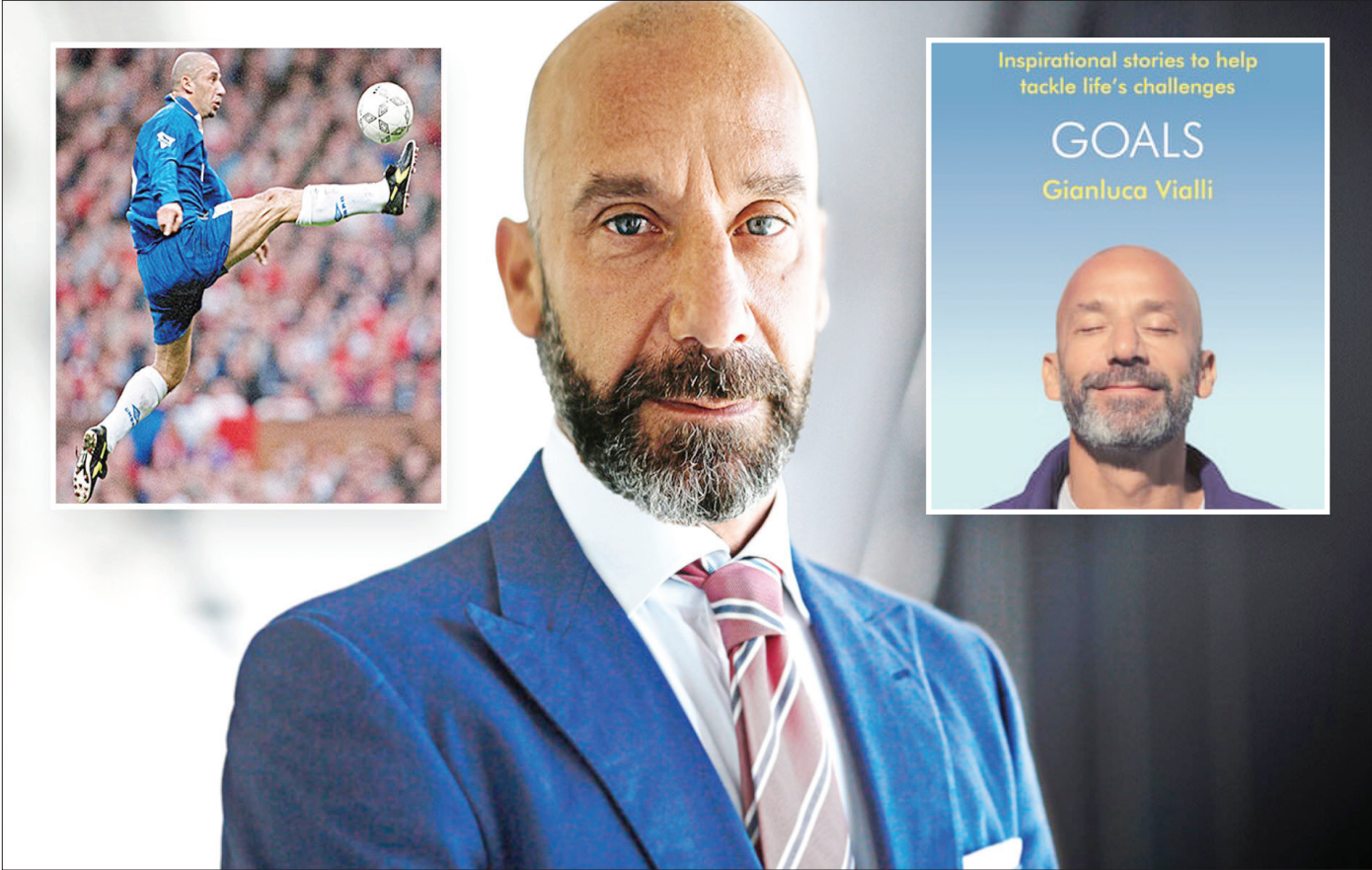
چادویک که در فاصله سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۴ بازیکن منچستریونایتد بود و سه فصل آن را به صورت قرضی در تیم‌های رویال آنتورپ، ریدینگ و برنلی سپری کرد، گفت: «زمانی که آنها درباره ظاهر من بحث می‌کردند، مرا در کانون توجه میلیون هانفر قرار دادند. اولین بار رایادم هست. یکی به من پیامک داد و گفت: «در برنامه آنها فکر می‌کنند همه چیز تمام شده، ظاهر خوبی داشتی». من کاملاً شوکه شدم چون آن زمان خیلی ساده بودم، اگر چه هراز گاهی برای منچستریونایتد بازی می‌کردم. هفته بعد آن برنامه را تماشا کردم و دیدم که چطور مردم به جوک‌هایی درباره ظاهر من می‌خندند. مسلماً برای سایر مردم شوخی درباره ظاهر من خنده‌دار و لذت‌بخش بود اما برای خودم به هیچ وجه. بعد از آن ماجرا، من هر روز جمعه‌ها وحشت داشتم که یک بار دیگر سوژه شوخی‌های آن برنامه شوم. من آن زمان آدم با اعتماد به نفسی نبودم و آن اتفاق هم اعتماد به نفسم را کمتر کرد. معمولاً نیمی از برنامه را تماشا می‌کردم و امیدوار بودم و دعای می‌کردم که آنها دیگر دست از مسخره کردن من بردارند اما هرگز چنین اتفاقی رخ نداد. آنها به مسخره کردن من ادامه دادند و ادامه دادند.»

چادویک ادامه داد: «من همیشه از خودم می‌پرسیدم که آیا بهتر نبود که همان موقع با مسئولان BBC صحبت می‌کردم و به آنها تذکر می‌دادم؟ با خودم می‌گفتم آیا اصلاً در BBC کسی به درخواست یک پسر ۲۰۱۹ ساله گوش می‌کند و به خاطر درخواست من حاضر می‌شوند که دیگر درباره‌ام صحبت نکنند یا باز هم به کارشان ادامه می‌دهند؟ دوست دارم اینطور فکر کنم که اگر درخواست می‌کردم، آنها دست از مسخره کردن من برمی‌داشتند اما نمی‌دانم. آن زمان چنین چیزهایی قابل پذیرش بود.»

چادویک ۳۹ ساله پس از ترک منچستریونایتد به وستهم پیوست و بعد از آن هم در تیم‌های استوک، نورویچ، ام‌کی دونز و کمبریج یونایتد بازی کرد. در منچستریونایتد او تنها ۳۹ بازی انجام داد و سال ۲۰۰۴ آن را ترک کرد. او فاش کرد که هانکاک بعد از یکی از بازی‌هایش در استوک از او امضا خواست اما هرگز بابت شکنجه‌ای که به او تحمیل کرد، عذر نخواست. چادویک می‌گوید اگر چه از هانکاک کینه ندارد اما هنوز هم درد ضرباتی که از مسخره شدنش به وجود آمد را حس می‌کند.

او گفت: «یکی از چیزهایی که خیلی مرا ناراحت می‌کرد، شنیدن چیزهای منفی درباره خودم از زبان گری لینکر بود، کسی که یکی از قهرمانان من در تیم ملی انگلیس در جام جهانی بود. با همه ظاهر احمقانه‌ای که داشتم، شنیدن آن چیزها از زبان لینکر ناراحت‌کننده بود و روی اعتماد به نفسم تأثیر منفی گذاشت.»

منبع: دیلی میل



مصاحبه

الیور هولت

و حتی ۱۵ سالی که تحلیلگر شبکه اسکای ایتالیا بودم اما احساس می‌کردم جلو نمی‌روم، متوقف شده بودم، رشد نمی‌کردم اما سرطان را فرصتی برای رشد دیدم. این دیدگاه من است، انتظار ندارم کسی با آن موافق باشد. هر کسی به نحوی با سرطان مواجه می‌شود اما من می‌خواستم به کارهایم که خیلی وقت نرسیده بودم انجامشان دهم، برسم. می‌خواستم خودم را نشان بدهم، همدلی کنم، در موقعیت سختی قرار گرفته بودم و باید به همراه خانواده‌ام در قالب یک تیم همکاری می‌کردیم.»

یادش می‌آید چشمانش زشت و زرد شده بود و دائماً در آینه لاغر شدنش را می‌دید. حتی بعد از اولین جراحی نیمه بیهوش روی تخت افتاده بوده و می‌شنیده کادر جراحی می‌گفتند عمل بی‌فایده بوده و سرطان تمام بدنش را گرفته: «فریاد زدم که من صدای شما را می‌شنوم، من هوشیارم، می‌دانم درباره هر حرف می‌زنید و آنها گفتند ما درباره تو حرف نمی‌زنیم.»

ویالی ۵۵ ساله می‌گوید هر بار که دردی به سراغش می‌آید فکر می‌کند «برگشته» و این چیزی است که شاید تا آخر

ویالی هدف‌های

جدیدی دارد؛

می‌خواهد نواختن

درام را یاد بگیرد و در

حال آموزش

تایپ ۱۰ انگشتی است

عمر با او باشد. اما یک چیز خیلی آزارش می‌داده اینکه پدر و مادرش با داغ فرزند و روبرو شوند. آنها در خانه‌شان در کرمونا، در نزدیکی مرکز شیوع کرونا در ایتالیا قرنطینه هستند و ویالی می‌گوید به آنها قولی داده: «به پدرم قول دادم که زودتر از او و مادرم نمی‌میرم. پدرم ۹۰ و مادرم ۸۵ سال دارد و من خودم را خیلی خوشبخت می‌دانم که هنوز آنها را دارم. حالا که خودم پدر هستم درک می‌کنم هیچ چیز سخت‌تر از مصیبت فرزند نیست. برای همین به آنها قول دادم، نمی‌خواستم خودخواهانه رفتار کنم هر چند زندگی را هم دوست دارم. یکی از چیزهایی که در این سفر تشخیص سرطان تادیرمان برایم به دست آمد این بود که به والدینم نزدیک‌تر شدم. با خودخواهی اولویت را روی بچه‌هایم گذاشتم، من یک پدر و شوهر هستم اما باید تمام تلاشم را بکنم که پدر و مادرم را هم خوشحال کنم.»

ویالی با قرنطینه مشکلی ندارد. او همچنان در جلسی زندگی می‌کند. وقتی مربی و انفورم‌شد مدت کوتاهی به همپیستید

یک عکس پشت سر جان لوکا ویالی است. خودش آن را می‌آورد و نشانم می‌دهد و با لبخند می‌گوید: «با سمپدوریا در سال ۱۹۹۰ است. آن سال اسکودتو را بردیم، تصمیم گرفتیم برای کریسمس هدیه‌هایی تهیه کنیم و با پوشیدن لباس‌های قدیمی عکس بگیریم.» همان فصلی که او آقای گل سری A هم شد.

حالا بیش از هر زمان دیگری چیزی که باعث لبخندش بشود، برایش اهمیت پیدا کرده. مربی و بازیکن سابق جلسی ماه گذشته بعد از دومین دور شیمی درمانی از سرطان لوزالمعده خلاص شده و حالا نگاهی جدید به دنیا و زندگی‌اش دارد. احساس می‌کند مبارزه سه ساله‌اش با سرطان به او فرصت دوباره‌ای داده و تازه فهمیده چندان مراقب مسیر حرکتش نبوده. حالا می‌خواهد و نیاز دارد که با پدر و مادرش بیشتر حرف بزند، می‌خواهد پدر بهتری برای دودختر نوجوانش و شوهر بهتری برای همسرش کاترین باشد. می‌خواهد بهتر خودش را بشناسد.

وقتی گفت‌وگو خیلی جدی می‌شود سعی در تلطیف آن دارد: «هنوز هم اگر یاستا آنطور که می‌خواهم بخته نشود، ناراحت می‌شوم اما یاد گرفته‌ام با آن کنار بیایم. خیلی چیزها بود که برابیم عادی جلوه می‌کرد اما حالا فهمیده‌ام چقدر ارزش داشته.»

انتشار هفته گذشته نسخه انگلیسی کتاب او، «هدفها»، مجموعه‌ای از ۹۰ داستان الهام‌بخش از دنیای ورزش، کاملاً به موقع بود چون به نظر می‌رسد جامعه تلاش می‌کند خودش را با عواقب بحران ویروس کرونا منطبق کند. داستان ویالی فصل آخر است، عدد ۱+۹۰ به معنای آنکه برای او وقت اضافه در نظر گرفته شده؛ او از نوعی از سرطان خلاص شده که معمولاً نجات از آن آسان نیست.

فوتبال انگلیس همیشه ویالی را دوست داشت. وقتی در سال ۱۹۹۶ به استمفورد بریج آمد، به خاطر فروتنی و تعصب عاشقش شدیم. با آنکه بهترین سال‌های فوتبالش را پشت سر گذاشته بود، هنوز بازیکن خوبی بود. از آن مهم‌رانشانی بود که کلاس داشت و هنوز هم دارد.

ویالی می‌گوید: «فکر می‌کنم یک حسن من این است که غر نمی‌زنم، دوست ندارم دائماً بگویم چرا من، چرا من؟ وقتی تشخیص سرطان دادند، این را نگفتم همان‌طور که وقتی از هزار فوتبالیست یکی حرفه‌ای می‌شد و من آن یک نفر بودم، نگفتم. برای اینکه انسان بهتری باشم، باید درست فکر کنم. شجاع بودم؟ نمی‌دانم کلمه درستی است، فکر می‌کنم مصمم بودم موفق شوم. نمی‌دانم شجاع یعنی چه؟ فقط وقتی ترسیده باشی می‌توانی شجاعت نشان بدهی. اگر بر ترسی غلبه نکنی، چطور می‌توانی بفهمی واقعاً شجاع هستی یا نه؟ زندگی‌ام کسالت‌بار شده بود. من همیشه زندگی هیجان‌انگیزی داشتم، فوتبالیست، مربی

منبع: دیلی میل